

## بررسی نحوه مشارکت دستگاه های دولتی با آموزش و پرورش در تحقق ساحت های سند تحول بنیادین

اکبر پناهی درچه<sup>۱</sup>

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان - پردیس شهید باهنر، اصفهان [ak.panahi@ac.ir](mailto:ak.panahi@ac.ir)

### چکیده:

ساحت های ششگانه تربیتی درسند تحول بنیادین آموزش و پرورش به گونه ای است که ابعاد مختلف وجودی انسان رادر برمی گیرد. از این ویژگی در نظام تعلیم و تربیت به عنوان "تربیت چند ساحتی" تعبیر می شود. از بعد اعتقادی، اخلاقی و عبادی گرفته تا ابعادی همچون، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه ای، زیبایی شناختی و هنری، زیستی و بدنی و علمی و فناورانه. از سویی این سند بر چهار پایه اساسی استوار شده است. دولت، خانواده، رسانه و سازمانهای غیر دولتی. تردیدی وجود ندارد که موفقیت آموزش و پرورش در دستیابی به اهداف آن ۶ ساحت تربیتی در گرو مشارکت تمامی این ارکان چهارگانه خواهد بود. این مقاله که برگرفته از یک طرح پژوهشی است به نقد و بررسی نحوه مشارکت رکن اول این سند یعنی "دولت" در زمینه تحقق اهداف این ساحت ها پرداخته است. در این پژوهش پس از بررسی شرح وظایف دستگاه های دولتی و تطبیق آن با اهداف سند، مشخص گردید که هرچند وظایف ذاتی هر کدام از دستگاه های دولتی در راستای اهداف این ساحت ها تدوین شده، اما متأسفانه به دلایل مختلف از جمله عدم وجود یک الگوی مشارکت، آنان از انجام مسوولیت قانونی خود در قبال این سند کوتاهی کرده اند. این مقاله، با استمداد از محتوای مصاحبه نیمه ساختار یافته با مسوولان و صاحب نظران ارشد این حوزه وطنی مراحل تحقیقات کیفی، ضمن ارایه الگوی این مشارکت پیشنهاداتی عملی و کاربردی جهت موفقیت در زمینه اجرای بهتر مفاد سند تحول بنیادین ارائه کرده است.

### کلید واژه ها :

آموزش و پرورش، سند تحول، ساحت های تربیتی ششگانه، مشارکت، دستگاه های اجرایی

**Abstract:**

The six areas of the fundamental transformation of education are in such a way that it includes different dimensions of human existence. This feature is defined as "multi-level education" in the education system. From religious, moral, and religious dimensions to dimensions such as social and political, economic and professional, aesthetic and artistic, biological and physical, scientific and technological. On the other hand, the pillars of the fundamental transformation document are also based on four basic foundations. Government, family, media and non-governmental organizations. There is no doubt that the success of education in achieving the goals of those 6 areas will depend on the participation of all these elements. This article, which is derived from a research project, reviews the participation of the first pillar of this document, the "government", in realizing the goals of the fields. In this research, after examining the description of the duties of government agencies and matching it with the objectives of the document, it was found that although the inherent duties of each of the government agencies have been compiled in line with the goals of these fields, unfortunately, due to various reasons, the performance of government agencies and the achievement of There is a deep distance between these destinations. This article presents a practical model to fill this gap with reference to the content of semi-structured interviews with related officials and senior experts, through combining the steps of qualitative research, and also presents a model of participation with practical and practical suggestions for more productivity in the field of implementing the provisions of the document. has provided a fundamental transformation.

**Keywords:**

education, transformation document, six educational areas, participation, executive bodies

## مقدمه

از دیرباز تحول در "تعلیم و تربیت" یکی از مهمترین موضوعات و دغدغه های فکری صاحب نظران در عرصه های مختلف زندگی بشر بوده است. در حقیقت، تحول در جوامع مختلف در دگرگونی فرایند تعلیم و تربیت آن جامعه می باشد. در سالهای اخیر با پررنگ شدن جایگاه انسان به عنوان موثرترین عنصر تاثیر گذار در حوادث و وقایع اجتماعی، رسالت تعلیم و تربیت جوامع نیز از اهمیت بالاتری برخوردار شده و بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. بررسی های انجام شده در حوزه "تعلیم و تربیت رسمی و عمومی" نشان از آن دارد که متاسفانه آموزش و پرورش حاکم بر کشور عزیزمان ایران آنچنان که شایسته است، توانایی پاسخگویی به نیازهای اساسی جامعه را دارا نمی باشد و تعلیم و تربیت با چالش ها و مشکلات عدیده های دست و پنجه نرم می کند [1]. دستیابی به نسلی کارآمد، نیازمند تحول اساسی در نهاد تعلیم و تربیت آن جامعه است. درک اهمیت این مسئله، توسط برخی از صاحب نظران نظام آموزش و پرورش، منجر به تدوین سند تحول بنیادین در سال ۱۳۹۰ گردید. این سند پس از آنکه به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید در همان سال جهت اجرا به آموزش و پرورش ابلاغ شد. اما با گذشت حدود ۱۲ سال که از تصویب و ابلاغ آن می گذرد، بسیاری از اهداف ساخت های ششگانه آن شامل: ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت زیستی و بدنی، تربیت زیبایی شناختی و هنری، تربیت اقتصادی و حرفه ای و تربیت علمی و فناوری، تحقق نیافته است. همانطور که در متن سند نیز اشاره شده، دسترسی به اهداف ساحت های ششگانه این سند مشروط به همیاری و همکاری تمامی دستگاه ها و نهادهای ذیربط است و نهاد آموزش و پرورش به تنهایی قادر به اجرای این امر مهم نیست. بر این اساس، فرایند مشارکت دستگاه های اجرایی با نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی یک ضرورت است. از این رو پژوهش حاضر بر این اساس است که از طریق مصاحبه با مسوولان و دست اندرکاران ارشد دستگاه های دولتی و مجریان سند به روش کیفی با رویکرد مطالعه موردی به معرفی نحوه این مشارکت با نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور بپردازد.

## ۱.۱ بیان مسئله

آموزش و پرورش نقش اساسی و بی بدیلی در ارتقاء فرهنگ عمومی هر جامعه ای ایفا می کند. مدارس به عنوان کوچکترین نهاد فرهنگی - اجتماعی رسمی عهده دار این وظیفه خطیرند. در کشور ما و از دیدگاه بسیاری صاحب نظران آموزش و پرورش نتوانسته است به طور شایسته پاسخگوی نیازهای اساسی جامعه امروز ما باشد. این امر حوزه تعلیم و تربیت را با چالش های فراوان مواجه ساخته و فرایند آن را با نقدهای اساسی درگیر کرده است. به منظور رهایی از این مشکلات و دستیابی به یک وضعیت کارآمد و موثر، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ توسط جمعی از متخصصین امر تعلیم و تربیت تدوین گشت و به آموزش و پرورش ابلاغ شد. فرایند تربیت در این سند بر مبنای ۶ ساحت تدوین شد به گونه ای که بتواند همه ابعاد وجودی انسان را در برگیرد. از بعد اعتقادی، اخلاقی و عبادی گرفته تا، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه ای، زیبایی شناختی و هنری، زیستی و بدنی و سر انجام علمی و فناورانه. از چهار رکن این سند، نقش "دولت" در تربیت رسمی و عمومی بی بدیل است به همان اندازه که نقش "خانواده" در آموزش های رسمی اهمیت دارد. بر این اساس موفقیت آموزش و پرورش در این نوع تربیت چند ساحتی زمانی میسر است که دستگاه های دولتی که در شرح وظایف خود متولی برخی از این اهداف هستند نیز پا به پای نظام تعلیم و تربیت بتوانند از عهده وظایف قانونی خود در قبال این مسوولیت های خطیر برآید. این پژوهش در صدد آن است تا به بررسی وظایف قانونی برخی از دستگاه های مختلف در جمهوری اسلامی بپردازد تا مشخص کند: اولاً هریک از آنان در قبال هر کدام از این ساحت ها، چه وظایف قانونی دارند. ثانیاً چگونه و با چه فرایندی می توانند ایفاگر نقش خود در قبال سیستم تعلیم و تربیت کشور باشند. امروز که حدود دوازده سال از تاریخ تصویب و ابلاغ این سند بنیادین میگذرد ارزیابی ها نشان میدهند مشارکت این دستگاه ها به اندازه ای نیست که بتواند رضایت جامعه را در دستیابی به اهداف این ساحت های ششگانه بر آورده کند. بر این اساس، معرفی فرایندی جامع و کاربردی که امکان مشارکت آنان را با نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی بیش از پیش فراهم سازد، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. به نظر می رسد. تردیدی نیست که هم آموزش و پرورش برای دستیابی به اهداف خود به کمک این دستگاه ها نیاز دارد و متقابلاً تمامی بخش های کشور برای دستیابی به اهداف تعیین شده خود، به تحول در آموزش و پرورش محتاج اند. این یک نیاز متقابل است. مساله اساسی در این پژوهش پاسخ به این سوال اساسی است که به راستی سهم مشارکت هر کدام از دستگاه ها و نهاد های دولتی در مشارکت با آموزش و پرورش به منظور دستیابی به اهداف ساحت های

تربیتی چه مقدار است؟ هر یک از این دستگاه‌ها چه مقدار از سهم خود را طی این سال‌های گذشته ادا کرده‌اند و الگوی عملی و اجرایی برای حمایت بیشتر این دستگاه‌ها از آموزش و پرورش به منظور تحقق اهداف ساخت‌ها چگونه تبیین می‌شود؟ در مبنای نظری سند تحول بنیادین، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزشهای اجتماعی در جهت شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی از اهداف دیگر این ساخت است [2]. تحقق ساحت‌های ششگانه سند تحول بنیادین و نیل به اهدافی که در ورای این ساحت‌های تربیتی گنجانده شده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. چرا که این ساحت‌ها به منظور برطرف نمودن مشکلات و معضلات تربیتی و ایجاد تغییر و تحولی گسترده و همه‌جانبه در تعلیم و تربیت عمومی کشور تبیین شده‌اند [3]. حال اگر به هر دلیلی روند نیل به اهداف ساحت‌های ششگانه سند تحول بنیادین متوقف گردد یا از سرعت آن کاسته شود، فرآیند تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور با چالش‌های متعددی رو به رو خواهد شد و در نتیجه امکان پیشرفت، ترقی و توسعه از کشور سلب می‌گردد [4]. عدم همیاری و همکاری لازم از جانب دستگاه‌ها و نهادهای مختلف، یکی از مهمترین عواملی است که می‌تواند از تحقق اهداف ساحت‌های ششگانه سند تحول بنیادین جلوگیری نماید. متأسفانه این عدم همکاری این روزها به وضوح در کشور قابل مشاهده است. به منظور رفع این معضل و در راستای تحقق اهداف ساحت‌های ششگانه سند تحول بنیادین، معرفی الگویی کاربردی برای مشارکت دستگاه‌ها و نهادهای اجتماعی با نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

#### ۱,۲ سوالات تحقیق:

سوال اصلی این تحقیق:

دستگاه‌ها و نهادهای دولتی همسو با اهداف سند تحول بنیادین چگونه می‌توانند با مشارکت خود به آموزش و پرورش در دستیابی به اهداف ساحت‌های ششگانه تربیتی آن کمک کنند؟ سوالات فرعی عبارتند از:

- ۱- نحوه مشارکت شورای آموزش و پرورش جهت تحقق اهداف ساحت‌های ششگانه تربیتی چگونه است؟
- ۲- نحوه مشارکت نهادهای فرهنگی جهت تحقق اهداف ساحت‌های تربیتی چگونه است؟
- ۳- نحوه مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی جهت تحقق اهداف ساحت‌های تربیتی چگونه است؟
- ۴- نحوه مشارکت دستگاه‌های اجرایی جهت تحقق اهداف ساحت‌های تربیتی چگونه است؟

#### ۱,۳ روش تحقیق

این پژوهش با بهره‌گیری از "روش کیفی با رویکرد مطالعه موردی" تدوین شده است [5]. از این رهگذر به بررسی دیدگاه و نظرات شرکت‌کنندگان در باب نحوه مشارکت دستگاه‌های دولتی با نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی پرداخته و بر اساس این نظرات پیشنهادات کاربردی برای تسهیل این نوع مشارکت را تبیین نموده است.

#### ۱,۴ جامعه و نمونه، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه و روش تجزیه تحلیل داده‌ها

جامعه آماری این پژوهش شامل مسوولان ارشد و برنامه‌ریزان برخی از دستگاه‌های اجرایی و کارکنان و کارشناسان آنان می‌باشد. این دستگاه‌ها عبارتند از: استانداری، فرمانداری، شورای اسلامی شهر و شهرداری، صدا و سیما، اداره کل تعاون و اداره کل رفاه اجتماعی، دانشگاه اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه فرهنگیان. محققان از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس جهت جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش استفاده کرده‌اند.

#### ۱،۴،۱ نحوه کد گذاری داده های گرد آوری شده

روش نظریه مبنایی یا داده بنیاد<sup>۲</sup> یکی از راهکارهای پژوهش کیفی است. سه عنصر اصلی روش نظریه پردازی داده بنیاد عبارتند از مفاهیم<sup>۳</sup>، مقوله ها<sup>۴</sup> و قضایا یا کدهای محوری [6]<sup>۵</sup>. عناصر بدین ترتیب به وجود می آیند که ابتدا سؤال پژوهش مطرح می شود و سپس برای پاسخ به این سؤال، داده های جمع آوری می شود. برای شروع کار ابتدا فایل های پیاده شده از مصاحبه ها با نخبگان وارد نرم افزار شده و به تحلیل محتوای آنها پرداخته می شود. یعنی مطابق فرایند نظریه مبنایی، ابتدا مفاهیم و مقوله ها مشخص می شوند و سپس به کشف روابط بین آنها اقدام می شود.

مصاحبه های انجام شده براساس ۲۴ ساعت مصاحبه با ۳۰ نفر از مسوولان دستگاه های اجرایی، مراکز دانشگاهی صاحب نظران و کارشناسان کلیدی عرصه های مختلف که بخشی از وظایف آنان مرتبط با ساحت های ششگانه تربیتی است و دارای جنبه های مشترک با تعلیم و تربیت بودند با توجه به نظرات و دیدگاه های مطلعان و از روش نمونه گیری هدفمند از نوع گلوله برفی استفاده گردید. سپس با استفاده از روش کدگذاری باز در ۵۵۰ طبقه (مفهوم اولیه) متمایز شدند. که پس از ادغام مفاهیم مشترک این کدها به ۳۵۰ طبقه تقسیم شد. شایان ذکر است برای تبیین بهتر نظریه، در کنار مصاحبه در ناحیه مورد مطالعه، از مشاهده میدانی، اسناد و مدارک مربوط به فعالیت در حوزه مشترک نیز استفاده گردید. در ادامه روند کد گذاری ها، پس از تعیین ۱۸۹ طبقه یا مفهوم اولیه حاصل از کدگذاری باز، این مفاهیم ۳۷ موضوع تحت عنوان مقولات جای گرفتند که فرایند کدگذاری نظری آنها را به ۱۳ طبقه تحت عنوان کدهای محوری منقسم کرد.

#### ۱،۵ یافته های این پژوهش - تمهیدات

##### ۱،۵،۱ بررسی اهداف ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

در اهداف این ساحت، پذیرش آزادانه و آگاهانه دین اسلام (به عنوان آیین زندگی و مبنای نظام معیار) برای تکیه بر آن، جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت خود در راستای تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن اصلی منحصربفرد محسوب می شود ولی توجه به ابعاد اخلاقی در حوزه فردی و اجتماعی که در مبانی نظری سند ذکر شده، مورد تاکید است [2].

از میان این اهداف ضرورت آموزش های اخلاقی در دوران تحصیل از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آموزش های اخلاقی نه تنها محور اصلی این ساحت است بلکه این موضوع نقطه مشترک کلیه نظام های تعلیم و تربیت است. به عنوان مثال در نظام تربیتی ژاپن یکی از کارکردهای اصلی تربیت اخلاقی، انتقال فرهنگ همراه با ارزش ها و دانش تثبیت شده آنان است. هدف تربیت اخلاقی، حفظ و گسترش فرهنگ سنتی است که ارزش های مذهبی را منعکس می کند؛ اگرچه آموزش مذهب خاص در مدارس دولتی در این کشور ممنوع است [7]. در مذهب شینتو که مذهب اصلی و بومی ژاپن است، اخلاق دارای دو رکن اصلی است: پرستش طبیعت و پرستش نیاکان. از دیدگاه شینتو، همه پدیده ها و اشیای طبیعی در بردارنده خداوند هستند. مذهب شینتو دارای هیچ رهبر ویژه ای نبود و همچنین هیچ کتاب مقدسی هم نداشت. بنابراین پس از رواج آیین بودا، شینتو همچنان در میان مردم باقی ماند. شینتو تعالیم و حکمت های بودایی را همانندسازی کرد و در دل خود پذیرفت. علاوه بر آن مذهب کنفوسیوس در اوایل قرن ششم به همراه محصولات چینی به ژاپن وارد شد این مذهب دارای چهار رکن اساسی بود: روابط سلسله مراتبی، نظام خانواده، ممنوع دوستی و تأکید بر تربیت. این چهار رکن بر اخلاقیات و دیدگاه مردم ژاپن نسبت به زندگی اثری عمیق داشت. نظام اخلاقی ژاپن بر این سه مذهب بنا شده است. یکی از صاحب نظران در این زمینه معتقد است: "مدارس نمی توانند نسبت به پرداختن به حیات اخلاقی دانش آموزان بی اعتنا باشند. برای ما غیرقابل تصور است که بچه های ما شش یا هفت ساعت در روز، از زمان شش سالگی تا آن گاه که هجده ساله می شوند، شیوه تفکر آنان درباره مسائل اخلاقی و

<sup>2</sup>-Data Theory Foundation

<sup>3</sup>-Concept-

<sup>4</sup> Category-

<sup>5</sup>Axial Codes - Theorems-

نیز شیوه رفتار شان هیچ تغییری نکند [8]. همچنین در تعلیم و تربیت از دیدگاه مسیحیت، می توان در زمینه آموزه های اخلاقی از چهار حوزه ارزشی سخن گفت: رابطه درون شخصی، رابطه بین شخصی، رابطه حقوقی افراد جامعه و ارتباط با محیط زیست.

#### ۱.۵.۲ بررسی اهداف ساحت سیاسی و اجتماعی

یکی از مهمترین اهداف این ساحت "آشنایی دانش آموزان با قانون و رعایت، احترام و التزام به آن است. در زمینه رعایت قانون، دریک فراتحلیل، پژوهش های موجود، نشان می دهد، قانون گریزی در بین شهروندان ایرانی تا چه حد شیوع دارد. این تحقیق که توسط دو تن از پژوهشگران انجام شده در سال ۱۳۹۷ انجام شده و مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی آن را منتشر کرده است. این پژوهش وضعیت عمل به قانون و قانون گریزی را در بین اقشار مختلف جامعه ایران مورد کنکاش قرار میدهد. در این تحقیق تاکید شده که در جوامع سنتی؛ وجدان جمعی، مدافع نظم بوده و در دوره ارگانیک، قوانین حقوقی با تأکید بر شخصیت و آزادی فردی به دنبال کنترل جامعه است پژوهشگری دیگر [9]. بر این باور است در دوره مدرنیته دورکیمی اخلاق حرفه ای در جامعه آفریده می شود که وظیفه عمده آن، آموزش هنجارها و قوانین برای افراد و اصلاح رفتار مجرم ها و بازگرداندن آنان به سامان دهی نظم اجتماعی است. دورکیم عبور از جامعه سنتی به جامعه مدرن را نوعی گذراز قانون جبری به قانون جامعه محور، پیشگیرانه، اجتماع پذیر و صالح ارزیابی می کند [10]. بنابراین قانون گریزی شامل طیفی از رفتارها می باشد که شامل قانون گریزی دائمی، آمیخته با خشونت مثل سرقت، قتل می شود. اما قانون گریزی موردی، شامل رفتار غیرخشن، ضعیف و ملایم متفاوت است. مانند ندادن مالیات یا عبور از چراغ قرمز و... که تقریباً عموم را شامل می شود. آنچه مسلم است در هر جامعه قانون گریزی از نوع اول در اقلیت می باشد، درحالیکه عموم افراد جامعه ممکن است به نوعی قانون گریزی از نوع دوم مبتلا باشند. یکی از اهداف این ساحت این است که چگونه می توان به آموزش و پرورش کمک کرد تا بتواند یا تاثیر بر روی دانش آموزان تعداد افراد نوع اول را به صفر برساند و از گسترش و فراگیری نوع دوم در جامعه بکاهد. این راهکارها لزوماً نباید با بهانه قرار دادن برقراری نظم و عدالت، "آزادی" را نفی کند (سوسیال دمکراسی) و نه به بهانه آزادی اجازه دهد "عدالت" در جامعه آسیب ببیند. (لیبرال دمکراسی).

#### ۱.۵.۳ بررسی اهداف ساحت زیستی و بدنی

در اهداف این ساحت چنین آمده است که پرورش قوای بدنی و تأمین سلامت، و بهداشت جسمی و روانی موارد زیر را پوشش میدهد: تربیت جنسی، سلامت فردی و اجتماعی تأمین نیازهای اساسی، حفظ شادابی در زندگی، برخورداری از رفاه و سلامت، استفاده از تفریحات سالم و اوقات فراغت، مراقبت از جسم و روح و پاکیزگی و آراستگی فردی، بهداشت زیست محیطی، قلمروهای زیست بوم شهری احساس مسئولیت در قبال حفظ زیست بوم شهری، آگاهی از الگوهای صحیح تولید و مصرف و یادگیری عاداتها و گرایشها در حفظ پاکیزگی و سلامت محیط شهری و منابع طبیعی شناخت طبیعت و احترام قائل شدن برای محیط زیست [2]. اطلاع از وضعیت بهداشت جسمی و روانی دانش آموزان در گرو پژوهش های انجام گرفته در این زمینه است. از سال ۱۳۵۷ تا نیمه دوم سال ۱۳۸۰ که تربیت بدنی به عنوان زیرمجموعه معاونت پرورشی سابق تعیین شده بود، سهم تربیت بدنی از اعتبارات پژوهشی بسیار ناچیز بود، چرا که این رشته به عنوان یکی از ۷ یا ۸ بخش زیرمجموعه این معاونت و در بسیاری موارد، به عنوان آخرین موضوع مورد توجه قرار گرفت و بر این اساس تعداد پژوهش های مربوط به تربیت بدنی طی این سال ها انگشت شمار است. به عنوان مثال در سال ۸۰ - ۷۹ فقط یک طرح پژوهشی به مرحله اجرا در آمد و در سال ۸۱ - ۸۰ این رقم حتی به صفر هم رسید. پس از ارتقای تشکیلات در سال ۸۲ - ۸۱، ۱۳ سیزده طرح پژوهشی و در سال ۸۳ - ۸۲ نیز ۳۸ طرح اجرا شد. در سال ۸۴ - ۸۳ تعداد پروژه ها به رقم ۸۵ رسید. اکنون پس از تنزل تشکیلات تربیت بدنی مجدداً امر پژوهش دچار رکودگردیده واز سال ۹۱ تا کنون تعداد مقالات پژوهشی در ساحت زیستی و بدنی سالانه به کمر از انگشتان دست می رسد [11]. اخیراً در پژوهشی بررسی جایگاه زیستی و بدنی در اسناد بالا دستی آموزش و پرورش و ارائه ی راهکارهایی برای ارتقای مهارت های زیستی و بدنی در مدارس با استفاده از روش تحلیلی- اسنادی مورد توجه قرار گرفته است. یافته های این پژوهش نشان می دهد با وجود اینکه در اسناد مدون از جمله قانون اساسی و سیاست های کلی نظام در بودجه بندی کشور برای امر تربیت بدنی، هزینه و امکانات خوبی اختصاص یافته اما در مقام عمل به حوزه تربیت بدنی اهمیت چندانی داده نمی شود در حالی که در آموزه های اسلامی و در نظام تعلیم و تربیت، بدن به منزله یک امانت الهی در نظر گرفته شده است و به حفظ و تقویت آن

تاکید فراوان شده است [12]. در بسته تحلیلی کوچ (کنترل وزن و چاقی) که به همت معاونت تربیت بدنی وزارت در سال ۱۳۹۹ بر روی ۱۳ میلیون دانش آموز انجام گرفت به لحاظ سنجش شاخص توده بدنی مشخص شد ۳۰/۱ درصد دانش آموزان اضافه وزن و چاقی دارند که نسبت به پیمایش انجام شده در سال ۹۵ بیش از ۸ درصد رشد یافته است. در این بسته تحولی مشخص شد که عواملی مختلفی همچون قرنطینه، بی تحرک بودن، تعطیلی مدارس و تنقلات از جمله دلایل عمده این رشد بوده است. وقتی در مجموع چهارمیلیون و هزار و نهصد و شصت و سه نفر دانش آموز ما دارای اضافه وزن و چاقی باشند، کافی است که زنگ هشدار را برای وضعیت ناسالم جسمی دانش آموزان به صدا در آورد و همه دستگاه های متولی و موثر در این زمینه را به کمک طلبید<sup>۶</sup>. آشنایی با محیط زیست به منظور مقابله با آلودگی آب و هوا و فضای سبز نیز از اهداف این ساحت است

#### ۱.۵.۴ بررسی اهداف ساحت زیبایی شناختی و هنری

در ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری، تربیت هنری موضوع محور، به مثابه رویکرد اصلی و رویکرد دریافت احساس و معنا به منزله رویکرد مکمل و به مثابه جهت گیری کلی این ساحت انتخاب شده است. رویکرد تربیت هنری موضوع محور در مقایسه با رویکردهای دیگر، جامعیت بیشتری دارد. در پژوهشی که مبنای مطالعات نظری سند تحول قرار گرفت، این ساحت از سه قلمرو معرفتی تولید هنر، تاریخ هنر و زیبایی شناسی که از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی می باشد، شکل گرفته است. [13]. در این پژوهش سه رویکرد مطرح در ساحت زیبایی شناختی و هنری تمیز داده شده است که شامل قلمرو معرفتی "نقد هنر" نیز هست. موضوعی که وجه تمایز این رویکرد نسبت به رویکردهای دیگر به شمار می آید. اتخاذ رویکرد دریافت احساس و معنا شامل دو فرآیند خلق معنا و کشف معناست. به عبارت دیگر، خلق هنر، نوعی رمزگذاری یا رمزگردانی و درک و دریافت هنر، نوعی رمزگشایی است. خلق معنا یا رمزگذاری، خاص هنرمند و کشف معنا یا رمزگشایی، مختص به افراد عادی و غیراهل فن است باید توجه داشت که تربیت هنری و زیبای شناختی گستره وسیعی را در برمی گیرد. از حرکت<sup>۷</sup> شروع می شود با رشد عاطفی<sup>۸</sup> منجر شده و در نهایت امر به رشد و شکوفایی توجه<sup>۹</sup> منتهی می شود. بر اساس اهداف اصلی در این ساحت در حوزه تعلیم و تربیت، اگر هنر را به منزله یک موضوع فرا رشته ای در نظر بگیریم که قرار است فرد روح زیباشناختی را در تمامی حوادث و رویدادهای جهان کشف کند، دیگر نمی توان آن را در قالب یک رشته خاص محدود و محصور کرد. بر این اساس به نظر می رسد هدف مکمل یعنی دریافت احساس و معنی بهتر از هدف اصلی رمزگزاری و رمز گشایی بتواند ما را به مقصد برساند. و باید جای موضوع اصلی (رویکرد موضوع محور) با موضوع مکمل (رویکرد دریافت احساس و معنی) عوض شود. در پژوهشی که تحت عنوان رویکرد تربیت هنری و زیبایی شناختی، رویکرد موضوع محور یا رویکرد دریافت احساس و معنا که به ثمر رسیده پژوهشگر ضمن بیان این نتیجه مهم ضمن تاکید بر آرای فلسفی ملا صدرا به نتایج مهم دیگری دست یافته است از جمله، اینکه این ساحت می تواند از معبر عشق مجازی انسان را به عشق حقیقی که همان مرتبه اتحاد با معشوق حقیقی است نایل سازد [14]. با همه ارزشی که برای نظر این پژوهشگران می توان قایل شد اما باید همچنان در این ساحت بر موضوع رمز گذاری و رمز گشایی تاکید کرد. زیرا دریافت احساس و معنی، یک امر ساده از نوع احساس معمولی نیست تا به راحتی قابل ادراک باشد. احساس معنا یکمقوله تشکیکی است و دارای شدت و ضعف است و از یک مرحله ای از آن امکان ندارد تا توسط حواس و ادراک انسانهای معمولی بدون آشنایی با رموز آن و آموزش، به درک آن نایل شد. اگر افراد از این رمزگزاری ها بی بهره باشند به درک کامل آن نمی رسند. به عنوان مثال ممکن است یک شعر کوچک و بازاری فولکلوریک را بر غزل عارفانه حافظ با یک موسیقی فاخر ترجیح دهند. زیرا با اولی می توانند ارتباط برقرار کنند و از معنای دومی غافل اند یا از درک آن عاجز خواهند بود.

<sup>6</sup>- <https://www.isna.ir/news-99>

<sup>7</sup>- Motion

<sup>8</sup>-Emotion

<sup>9</sup>-Attention

### ۱.۵.۵ بررسی اهداف ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

این ساحت، به آماده سازی متریبان در مسیر تحقق شأن اقتصادی و حرفه ای حیات طیبه توجه دارد [2]. در پژوهشی تحت عنوان "اهمیت تعلیم و تربیت اقتصادی برای دانش آموزان" سواد مالی و حرفه ای دانش آموزان ایرانی ضعیف ارزیابی شده است. برخی از محققین پس از ذکر دلایل اهمیت اقتصاد در ساختار جامعه و معیشت افراد به این نتیجه رسیده اند که "توانایی و قدرت اقتصادی در مدیریت زندگی شخصی و حرفه ای به دانش و مهارتی وابسته است که از سنین اولیه کودکی در وجود افراد شکل می گیرد [15]. در یک پژوهش و بررسی تطبیقی با عنوان "تلفیق تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی در کشورهای اسکاتلند، چین و استرالیا" پس از بیان دلالت هایی برای تربیت اقتصادی مردم ایران، وضعیت، این سه کشور یعنی اسکاتلند، چین و استرالیا مورد بررسی قرار گرفته و به دلیل گنجانیدن برنامه تربیت اقتصادی در برنامه درسی (به صورت غیرمتمرکز در قالب اقتصاد بومی و محلی) ضرورت انتخاب این برنامه برای تربیت اقتصادی در ایران نیز تبیین شده است. این محققین ضمن مطالعه تطبیقی در بیان اهداف تربیت اقتصادی در کشورهای چین، اسکاتلند و استرالیا، به بررسی اهداف این ساحت در سند تحول بنیادین و انطباق آن با نظام تربیتی نیز پرداخته اند [16]. در این گزارش ها ضعف و عدم وجود آموزش های اقتصادی و حرفه ای در نظام تعلیم و تربیت کشور ما کاملا مشهود است.

### ۱.۵.۶ بررسی اهداف ساحت علمی و فناوری

در برنامه های درسی کشورهای مختلف جهان به اهداف مربوط به این ساحت به حدکفایت پرداخته می شود. با اطمینان می توان گفت که این ساحت در برنامه نظام های تربیتی جهان محور و هسته ای مشترک درسی قلمداد می شود. تعریف این ساحت در سند تحول بنیادین چنین است: "بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی که ناظر به کسب شایستگی های (صفات و توانمندی ها و مهارت ها) است که متریبان را در شناخت و بهره گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متریبان قادر شوند، با عنایت به تحولات آینده نسبت به جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت، بینشی ارزش مدار کسب کنند". توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش افزایی، بکارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی همه جزء اهداف این ساحت است. [2]. در "سند درسی ملی" نیز که یکی از زیر نظام های سند تحول بنیادین محسوب می شود، حوزه های ۱۱ گانه تربیت و یادگیری عبارتند از "حکمت و معارف اسلامی، قرآن و عربی، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و هنر، سلامت و تربیت بدنی، کار و فن آوری، علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ریاضیات، علوم تجربی، زبان های خارجی و آداب و حمایت های زندگی و بنیان خانواده" به عنوان موضوع و سرفصلی برای رسیدن به اهداف این ساحت تعیین شده است [17]. درحقیقت این ساحت علاوه بر جنبه نگرشی و ارزشی، متولی امر تولید و ارتقاء علم و سواد در بین دانش آموزان و متریبان محسوب می شود. در این ساحت نگاه به علم به دو وجه کلی و اساسی تقسیم می شود: نگاه آیه ای و نگاه ابزاری.

### ۱.۵.۷ یافته های این پژوهش - تحلیل نتایج

#### مشارکت جویی

معنی مشارکت یک مفهوم کاربردی است و دارای پیچیدگی های متنوعی است. اما معنای عام آن "همکاری و همیاری" است و اصطلاحاً "نوعی دخالت آگاهانه و داوطلبانه در همه اموری است که به نوعی به افراد مربوط می شود" [18]. در واقع مشارکت به عنوان راهبردی فرصت آفرین است تا مردم بتوانند بواسطه آن دشواری های مسیر را از میان بردارند و یا برای گشودن بن بست و راه های تازه از آن مدد جویند. این مفهوم در ابعاد مختلفی تقسیم بندی های متنوع و مختلفی دارد. یکی از این تقسیمات بر اساس «هدف» انجام گرفته و این و مقبولیت عام یافته است. «انجمن بین المللی برای مشارکت عمومی» به بسط و گسترش کاما آن پرداخته است. این انجمن اهداف



مشارک را به ۵ نوع مختلف تقسیم کرده است: «اطلاع رسانی»، «مشورت»، «دخالت»، «همکاری» و «توانمند سازی» [18]. در این پژوهش نوع چهارم این مفهوم یعنی «همکاری» مورد توجه بیشتر قرار گرفته است. ضمناً همانطور که گفته شد در این پژوهش منظور مشارکت عمومی دستگاه های اجرایی است نه مشارکت عمومی افراد جامعه، آنگونه که مثلاً در خیریه ها مورد توجه قرار می گیرد. بر مبنای پژوهش های انجام گرفته در این زمینه، در این نوع مشارکت ۵ شرط اساسی لازمه موفقیت محسوب می شود: شرط اول، «تقسیم قدرت» است. تا زمانیکه مسوول یک دستگاه اراده نکند تا بخشی از قدرت مدیریت خود را با مسوول دستگاه دیگر تقسیم کند، مشارکتی شکل نمی گیرد. در بوروکراسی اداری متمرکز باید قبول کرد مسوولین دستگاه های هم عرض هرگز تابع دستور همدیگر نخواهند بود و در چنین سازمانهایی مشارکت به صورت دستوری انجام نخواهد شد. بنابر این یکی از اصول مشارکت احساس انگیزه بخش (برد-برد) برای دستگاه های مشارکت جو است. هر دو دستگاه باید به این نتیجه برسند که این مشارکت به نفع هر دوی آنان است. شرط دوم، «بلوغ فکری» مشارکت جویان است. اگر مسوولان ارشد دو دستگاه به این حد از بلوغ فکری نرسیده باشند که سرنوشت هر دو و حتی جامعه در گرو تعامل دستگاه های همسو می باشد، مشارکتی شکل نخواهد گرفت. اگر به اشتباه فکر کنند موفقیت دستگاه تحت امر آنان به صورت جزیره ای برای دستیابی به هدف کافی است و باید با سایر دستگاه ها بجای همکاری، رقابت داشته باشند، باز مشارکت عقیم خواهد ماند. احساس هم سرنوشت بودن یگانه انگیزه درونی برای مشارکت جویی حداکثری است. شرط سوم، «منافع مشترک» است. مشارکت حول منافع مشترک شکل می گیرد باید طرفین مشارکت جو هر دو به یک نسبت از ثمره این مشارکت بهره مند گردند. ضمناً باید توجه داشت مشارکت در حوزه ماموریت تخصصی و ویژه یک دستگاه با دستگاه دیگر بی معنی است و ممکن است موجب تداخل غیر متخصص در حوزه تخصصی سایر دستگاه ها شود. این موضوع علاوه بر به خطر انداختن استقلال دستگاه ها آسیب زا هم خواهد بود. چهارمین شرط، «مسئولیت پذیری» است که یکی از شروط اساسی مشارکت جویی است. بدون این شرط توافق بر سر رسیدن به اهداف مشترک عملاً امکان پذیر نیست. افراد باید نسبت به وظایف فرادستگاهی خود احساس مسئولیت کنند. شرط چهارم تحت عنوان «درگیر کردن» نامیده می شود. اگر افراد دغدغه ورود به موضوعی را نداشته باشند، اساساً آن موضوع را مساله خود نمی دانند و یا اولویتی برای آن قایل نیستند و لذا زحمت ورود به آن مساله مشترک را از سر خود رفع می کنند. اگر افراد دچار روزمرگی شده و به شکل افراطی درگیر مسائل حوزه داخلی خود شوند، هرگز خود را درگیر مسائل مشترک بین حوزه ای نخواهند کرد. متولی اصلی هر طرح مشترکی باید ابتدا بتواند ذهن افراد سایر دستگاههای مرتبط با موضوع را درگیر اهمیت آن مساله کند. و شرط پنجم «مشارکت در تمامی لایه ها» است. به غلط تصور می شود هماهنگی در راس هرم قدرت برای هماهنگی و مشارکت دستگاه های مختلف تصمیم گیری کافی است. بسیاری از تفاهم نامه های بین دستگاهی که بین مقامات ارشد دستگاه ها منعقد و مبادله می شود، روی کاغذ باقی می ماند. چه بسا دو مدیر دستگاهی که بسیار با هم هماهنگ و هم جهت هستند و حتی با همدیگر دوست صمیمی و خانوادگی باشند ولی کارشناسان آنان و تصمیم سازان دو دستگاه کاملاً با دیدگاه مشارکت جویی آنان با دستگاه دیگری در باره یک موضوع واحد اختلاف نظر داشته باشند. در واقع تصمیم گیران حول محور مشترک به توافق می رسند ولی لایه میانی و تصمیم سازان مدیریت و مجریان نسبت به آن موضوع بیگانه اند. در واقع مدیران میانی بی خبر از وقایع دستگاه دیگر و بی اطلاع از تفاهم نامه بین دستگاهی هستند. این لایه چون در جریان تصمیمات قرار نمی گیرند و فقط اجرای دستورات توسط ما فوق به آنان ابلاغ می شود، تمایلی به مشارکت جویی در طرح های مشترک نداشته و یا اعتقادی به اولویت بخشی به برنامه مشترک ندارند. [20].

### ۱.۵.۸ تصمیم سازی و تصمیم گیری

یکی از مهمترین مسایل در حوزه مشارکت جویی بین آموزش و پرورش و دستگاه های اجرایی، مشارکت آنان در حوزه تصمیم سازی و تصمیم گیری است. به عنوان مثال وقتی به لحاظ ساختاری شورای معاونین اداره کل آموزش و پرورش در غیاب مدیر استانی دانشگاه فرهنگیان تشکیل شود و یا وقتی در شورای دانشگاه هیچ نماینده ای از مسوولین ارشد اداره کل آموزش و پرورش حضور نداشته باشد، نمی توان از الگوی مشارکت بین این دستگاه دم زد و انتظار داشت مساله از طریق سفارش و دستور و توصیه حل شود. بنابراین حوزه تصمیم گیری به عنوان یک متغیر مستقل تاثیر عمیقی بر سایر متغیر های وابسته خواهد داشت و به عنوان یکی از متغیر های اصلی مشارکت باید به آن پرداخت. مهمترین مسله پس از توافق بر سر مفهوم مشارکت، اصلاح ساختار تصمیم سازی و تصمیم گیری در میان دستگاه های مشارکتجو می باشد.

### ۱.۵.۹ مفهوم سازی داده های مصاحبه

در طرح اصلی که گزارش آن تحت عنوان "طراحی الگوی مشارکت دستگاهها و نهادها با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در تحقق ساحت های ششگانه سند تحول بنیادی" منتشر شده و به عنوان پژوهش برتر سال ۱۴۰۱ استان اصفهان نیز شناخته شد، برای تجزیه و تحلیل داده ها، هرچند استفاده از نرم افزارهای موجود برای کد گذاری داده ها همچون MAX qda و Nvivo می توانست بر سرعت کار بیفزاید ولی در این پژوهش، از آنجا که بسیاری از مفاهیم دارای کدهای پنهان بودند و تاکید بر روی کلید واژه های صرف، بدون در نظر گرفتن مفاهیم پنهان آن ممکن بود به نتایج تحقیق آسیب کلی برساند علاوه بر بهره گیری از آن مجدداً به صورت دستی اقدام به کد گذاری شده است. ابتدا مصاحبه ها که به صورت صوت بودند به دقت تبدیل به متن شدند. با توجه به متن مصاحبه ها، همه یافته ها به طور کلی مرور و نکات مهم آن به عنوان مفاهیم کلیدی فهرست شد و تحت عنوان کدهای باز یا مفاهیم استخراج شدند. مشترکات کدهای باز حذف شدند. سپس موضوعات اصلی و فرعی گروه بندی شده و در جداول مجزا ساماندهی شدند. داده ها مجدداً مطالعه شده و براساس آن کدهای فرعی مقولات تعیین شد. ارتباط بین هر کدام از گروه های فرعی برای تعیین کدمحوری مشخص گردید. سپس یکی از کدهای محوری به عنوان کد محوری اصلی یا کلیدی انتخاب شد و با در نظر گرفتن شرایط علی رابطه آن با سایر محورها و مقولات تعیین گردید، تا ضمن بیان زمینه ها و شرایط واسطه ای که منجر به راهبردها می شود، پیامدهای آن نیز مورد توجه قرار می گیرد. در پایان با مطالعه مجدداً یافته ها، نتایج به کدهای مختلف منتسب شد و از این طریق داده ها برای تحلیل آماده شدند. تحلیل داده ها به تلیخیص و نتایج حاصل از داده ها اطلاق می شود. فرآیند تحلیل داده های کیفی، یک بحث اختلافی است و برای آن روند خاصی وجود ندارد و محقق براساس ماهیت، نیاز و اهداف تحقیق روش خاصی را بر می گزیند. نکته شایان ذکر در این فرآیند، آزادی محقق در انتخاب کدها و گروه بندی داده است. با این حال این یافته و مراحل کد گذاری جهت اعتبار بخشی در اختیار دو نفر از صاحب نظران قرار گرفت تا اعتبار آن مورد تایید قرار گیرد. در این پژوهش از روش مقایسه مداوم تحلیل و کدگذاری گلیسر استفاده گردیده که موارد زیر را شامل می شود: جدول ذیل حاصل فرآیند کد گذاری است. مقایسه رویدادهای قابل کاربرد برای هر طبقه، یکپارچه سازی طبقات و ویژگی های آنها، توسعه مفاهیم، نمونه گیری نظری، اشباع نظری، نوشتن نظریه و ارائه پیشنهادات کاربردی مرحله ای است که در ادامه به آن می پردازیم تا منجر به طراحی مدل مشارکت شود.

### ۱.۶ - بررسی نحوه مشارکت شورای آموزش و پرورش در تحقق اهداف

#### ۱.۶.۱ لزوم تغییر ساختار و ماموریت شورای آموزش و پرورش

شورای آموزش و پرورش به ریاست استاندار و به عنوان محور تعامل این دستگاه با سایر دستگاه های اجرایی در سطح استان ها، بزرگترین نقش را در این تعامل مشترک دارند. به نظر می رسد طی ده سال گذشته که سند تحول بنیادین تصویب و ابلاغ شده به توفیق این شورا در دستیابی به اهداف سند چندان موفقیت آمیز نبوده است. بر مبنای مفاهیم مستخرج از داده ها علت اساسی این عدم توفیق را می توان در سه بعد کلی مورد توجه قرار داد: الف - موانع و چالش های تصمیم گیری در شورا ب- ماموریت و شرح وظایف شورا بر اساس قانون مصوب ج- بی توجهی به تربیت چند ساحتی درساختار و ترکیب اعضای آن. مصاحبه شونده (۱۳). در زمینه چالش های تصمیم گیری باید از تمرکز بیش از حد سیستم آموزش و پرورش به عنوان اصلی ترین این موانع نام برد. موضوعی که عملاً مجاللی برای تصمیمات بومی، محل و استانی شورا باقی نگذاشته است. مصاحبه شونده (۲۰). به عنوان مثال: اگر شورای آموزش و پرورش بخواهد در چارچوب وظیفه ذاتی خود و بر اساس شرایط بومی و اقلیمی استان به تغییر تقویم آموزشی (زمان باز گشایی مدارس) اقدام کند، متأسفانه این تصمیم با مصوبه مجلس در تقابل قرار می گیرد که زمان شروع و پایان سال تحصیلی را از اول مهر ماه تا پایان خرداد هر سال تعیین کرده است. بر این اساس اگر خوزستان بخواهد سال تحصیلی را زودتر شروع کند تا دانش آموزان مجبور نشوند در خرداد ماه و در هوای ۴۸ درجه در مدرسه حضور یابند، با مانع قانونی مواجه خواهد شد. در نمونه دیگر در ماده ۱۶ که باید زمینه مالکیت زمین ها برای آموزش و پرورش را فراهم آورد، این شهرداری ها هستند که زمین را بدون مشورت با کارشناسان آموزش و پرورش مشخص نموده و اعلام می

کنند که کدامیک از زمین ها کاربری آموزشی دارند. این تشخیص غیر کارشناسانه که ممکن است در بسیاری از موارد بر اساس نیاز واقعی نباشد مصاحبه شونده (۱۳). پس از تصویب در کمیسیون ماده ۵ به صورت قانونی ابلاغ می شود و راه را برای تصمیمات شورای آموزش و پرورش می بندد. مشکل دیگر اینکه این آموزش و پرورش است که باید آن زمینی را که شهرداری در کاربری آموزشی قرار داده است را خریداری کند. همچنین بخشی از این زمین هایی که کاربری آموزشی دارند و مربوط به اشخاص حقیقی هستند، وقتی آموزش و پرورش با محدودیت منابع برای خرید مواجه می شود عملا مردم را در زحمت می اندازد. این تصمیم که بر مبنای قانون اتخا شده عملا ماده ۱۶ را با بن بست جدی مواجه ساخته و عملا کارایی خود را از دست داده است. بخشی از این زمین ها هم که مربوط به سایر دستگاه ها هستند، توافق با آنان به دلیل چرخه طولانی بوروکراسی اداری آسان تر از توافق با افراد حقیقی نیست. عملا به دلیل قانون ناقص و ضعف تعامل کارشناسان شهرداری با کارشناسان اداره کل آموزش و پرورش و اداره کل نوسازی مدارس، هم مردم و هم آموزش و پرورش متضرر می شوند. در زمینه ماموریت این شورا و شرح وظایف آن باید گفت که قانون فعلی شوراهای آموزش و پرورش که در سال ۱۳۷۲ پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی به تایید شورای نگهبان رسیده است، عملا هیچ ارتباطی با اهداف ساحت های تربیتی در سند تحول بنیادین ندارد و کاملا با آن بیگانه است. علاوه بر آن، مفاد شرح وظایف این شورا عموما جنبه پشتیبانی مالی و جنبه اقتصادی دارد. مشکل دیگر ناتوانی این شورا در حل مشکلات آموزش و پرورش به دلیل تمرکز بیش از حد نظام آموزشی ماست. مصاحبه شونده (۲۰). موضوعی که در زمینه تغییر شرایط موجود برای رسیدن به وضع مطلوب مانع ایجاد می کند به ساختار آموزش و پرورش مربوط است. در حالیکه می توان بخش عمده ای از ماموریت های تربیتی و آموزشی را در عرصه سیاستگذاری با تفویض اختیار از وزارت آموزش و پرورش به این شورا محول کرد.

در زمینه اصلاح ترکیب شورای آموزش پرورش به نظر می رسد جای نماینده برخی از دستگاه های مرتبط با اهداف ساحت های تربیتی در این شورا خالی باشد. دستگاه هایی که آموزش و پرورش بدون حمایت آنان نمی تواند به اهداف این ساحت ها دست پیدا کند. این مسوولین که حضور آنان به دلیل نقش آنان در تحقق اهداف ساحت ها پر رنگ دیده شده است و لازم است پس از اصلاح ساحت ها ترکیب اعضای آن به عضویت شورای آموزش و پرورش در آیند به شرح ذیل است: رییس مجمع نمایندگان استان، رییس شورای شهر مرکز استان<sup>۱۰</sup> مصاحبه شونده (۱۳).، مدیر کل ارشاد اسلامی، مدیر کل اداره ورزش و جوانان، مدیر کل میراث فرهنگی، رییس دانشگاه فرهنگیان، رییس دانشگاه مادر استان، رییس دانشگاه علوم پزشکی استان، مدیر اداره تعاون، کار و امور اجتماعی، مدیر کل آموزش فنی و حرفه ای، رییس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. هر چند در برخی از سالهای گذشته وزیر محترم آموزش و پرورش در جلسه استانداران حضور پیدا کرد تا پس از بیان دغدغه ها ی موجود و انتظارات خود بویژه در آغاز بازگشایی مدارس و در آستانه زنگ مهر، برخی از وظایف استانی از جمله مسوولیت پروژه مهر یا ستاد بزرگداشت مقام معلم را به استانداران یا فرمانداران تفویض کرد ولی عملا چون در متن شرح وظایف استانداران و فرمانداران یا در شرح وظایف شورای آموزش و پرورش چنین وظایفی تصریح نشده است عملا چنین پیشنهاداتی در حد یک تعارف قلمداد شده و جز صدور یک ابلاغ صوری اتفاقی خاصی برای تحقق اهداف سند تحول بنیادین نیفتاده است. مفهوم سازی داده ها در زمینه بازدارنده ها و تسهیل کننده های مشارکت در این زمینه در (جدول شماره ۱) آمده است.

## ۱،۶،۲ نحوه حمایت شورای اسلامی شهر و شهرداری ها از اهداف ساحت ها

یکی از عواملی تاثیر گذاری که می تواند به دنبال اصلاح نقش شورای آموزش و پرورش موجب رشد و توسعه اهداف ساحت های تربیتی در بین دانش آموزان شود، تقویت نقش شوراهای اسلامی شهر و شهرداری ها است. هر چه تعامل آموزش و پرورش با شهرداری بیشتر شود تاثیر آن بیشتر است. به عنوان مثال بر اساس قانون، ۱۵ درصد بودجه شهرداری ها باید صرف مسایل فرهنگی شود. مصاحبه شونده (۱۳). قطعا اولویت اول برای مصرف چنین بودجه بزرگی، تربیت شهروندان نمونه خواهد بود. تشکیل یک شهر نمونه فقط در گرو تاسیس زیر ساخت های عمرانی مدرن از قبیل مترو، پارک، خیابان، شبکه های آب، برق، گاز و تلفن نیست، شهر نمونه در گرو تربیت شهروند نمونه است. کیست که نداند اولین اولویت برای چنین هدفی دانش آموزان مدارس خواهند بود زیرا تاثیرات تربیتی بر روی بزرگسالان عملا اتلاف

10 - البته رییس شورای شهر در شهرستان ها عضو شورای آموزش و پرورش هست ولی در مرکز استان این امر مورد غفلت واقع شده است.

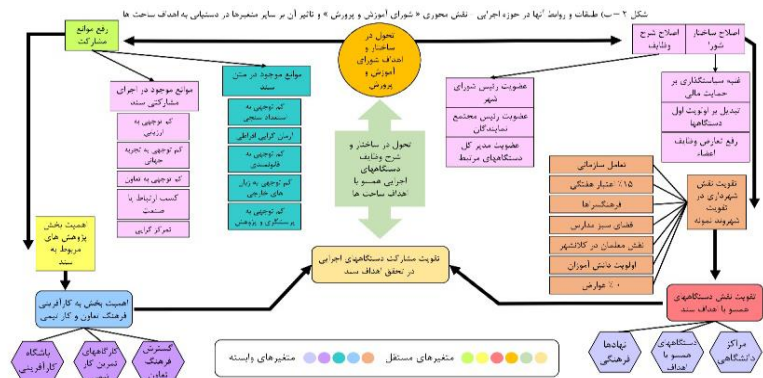
منابع و زمان را در پی خواهد داشت و بازده ناچیزی در پی دارد. در حقیقت اگر این پتانسیل عظیم به کمک منابع ناچیز سرانه دانش آموزی به فعالیت های فوق برنامه وامور تربیتی اختصاص یابد، بسیاری از معضلات موجود بر سر تحقق اهداف ساخت ها را حل خواهد کرد. فرهنگسراهای شهرداری ظرفیت بزرگ دیگری است که در خوشبینانه ترین حالت از ۱۵ درصد زمان آن استفاده می شود. در حالیکه می توان با یک هماهنگی از زمان صبح این فرهنگسراها جهت اجرای برنامه های فرهنگی، آیینی، مناسبت ها و هنری مدارس مجاور استفاده کرد. مصاحبه شونده (۱۳)، رسیدگی به فضای سبز مدارس به عنوان توجه به فضای سبز شهری باید در دستور کار بخش فضای سبز شهرداری محسوب شود و این امکان فقط با یک اصلاحیه امکان پذیر است. اختصاص و تصویب سقف ۵ درصد عوارض ساخت و ساز در شورای آموزش و پرورش بجای میزان عرف ۳ درصدی آن به منظور کمک به توسعه اهداف ساخت ها و تصویب محل هزینه این اعتبار بجای هزینه در ساخت و سازهای مدارس، هزینه کردن در جهت تحقق اهداف ساخت ها، می تواند از موضوعاتی باشد که در جهت تقویت این ساخت ها موثر است.

۱،۷ لزوم رفع مشکلات درون متنی سند تحول بنیادین

اینگونه نیست که علت عدم مشارکت دستگاه های مختلف در تحقق ساخت ها همه در حوزه دستگاههای اجرایی باشد بلکه بر اساس دیدگاههای صاحب نظرانی که داده های این تحقیق بر اساس دیدگاه های آنان شکل گرفته است برخی موانع درون متنی است. مصاحبه شونده (۲۰)، هرچند تدوین زیر نظامهای این سند ممکن است برخی از این مشکلات را کاهش داده باشد ولی قطعاً نمی توان همه موانع بر سر اجرایی کردن مفاد سند را به حوزه اجرا نسبت داد. به عنوان مثال: بی توجهی سند به مقوله ارزیابی دقیق از اهداف کیفی سند. مثلاً هیچ مکانیسمی برای اندازه گیری میزان رشد اعتماد به نفس در متریبان در سند پیش بینی نشده است. یا هر چند در مقدمه سند به استفاده از تجربه جهانی اشاره شده و یا هدف ساخت علم و فناوری را استفاده از تجربه متراکم بشری قلمداد کرده ولی به نظر می رسد در تدوین این سند، از تجربه جهانی سایر کشورهایی که در حوزه تعلیم و تربیت موفق عمل کرده اند کمتر استفاده شده است مصاحبه شونده (۱۳). به گونه ای که این سند در نوع خود منحصر بفرد است و نسخه مشابهی در هیچ کجای جهان ندارد. یا باز به عنوان نمونه در ویژگی های مدرسه صالح نقش تعاون دیده شده ولی به نقش وظیفه ذاتی وزارت تعاون در این زمینه هیچ اشاره ای نشده است. یکی از بزرگترین خلاء ها در سند این است که متاسفانه در سند هیچ مکانیسمی برای ارتباط دانش آموزان با بخش صنعت پیش بینی نشده است در حالیکه مقوله کار یابی و کار آفرینی بسیار امر مهمی است. تمرکز گرایی از موانع دیگری که در موضوع شورای آموزش و پرورش به آن اشاره گردید.

۱،۷،۱ نقش تعاون و مشارکت در ساحت های سند تحول

یکی از دستگاههایی که جای خالی آن در تحقق ساحت ها از جمله ساحت اقتصادی و حرفه ای خالی است اداره تعاون و توسعه فرهنگ کار و کار آفرینی و بویژه تقویت کار تیمی در میان جامعه و بویژه دانش آموزان مسوولیت مستقیم و وظیفه ذاتی دارد. مصاحبه شونده (۱۵)، شکل (۲) نمایانگر رابطه متغیرهای مستقل با همدیگر و متغیرهای وابسته بسته با آنان است که در "طرح الگوی مشارکت



"حاصل از رابطه مقولات و محورهای کلیدی در حوزه دستگاه های اجرایی است.

#### ۱.۸ نحوه مشارکت دانشگاه ها و مراکز آموزشی

یکی از مهمترین مسایل بین آموزش و پرورش و دانشگاه ها بویژه دانشگاه فرهنگیان، مشارکت این دو نهاد در حوزه تصمیم سازی و تصمیم گیری است. وقتی به لحاظ ساختاری شورای معاونین اداره کل آموزش و پرورش در غیاب مدیر استانی دانشگاه فرهنگیان تشکیل می شود و وقتی قانونا در شورای دانشگاه هیچ نماینده ای از مسوولین ارشد اداره کل آموزش و پرورش حضور ندارد، نمی توان از الگوی مشارکت بین این دستگاه دم زد و انتظار داشت مساله از طریق سفارش و دستور حل شود مصاحبه شونده (۱۴).. بنابراین حوزه تصمیم گیری به عنوان یک متغیر مستقل تاثیر عمیقی بر سایر متغیر های وابسته خواهد داشت و به عنوان یکی از موانع مشارکت باید به آن پرداخت مهمترین مسله پس از توافق بر سر مفهوم مشارکت، اصلاح ساختار تصمیم سازی و تصمیم گیری در میان دستگاه های مشارکتجو می تواند باشد.

#### ۱.۸.۱ کارورزی نقطه اتصال آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان

کارورزی، نقطه تلاقی و محور تعامل اداره کل آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان می باشد. تردیدی نیست که فصل ممیزه دانشگاه فرهنگیان از سایر دانشگاه ها، موضوع کارورزی است. مصاحبه شونده (۱۵-۱۶-۱۷-۱۸)، همانگونه که در گذشته علت جدایی دانشگاه علوم پزشکی از سایر دانشگاه ها وابسته به عتف تاکید بر جنبه عملی و بالینی این دانشگاه و تلفیق علم با عمل بوده است. در مورد دانشگاه علوم پزشکی به دلیل اینکه هم بخش تئوری و هم بخش عملی آموزش ها در فضای فیزیکی واحد و تحت یک مدیریت و توسط یک دستگاه انجام می گیرد به راحتی می توان از فضای بیمارستانی برای آموزش عملی دانشجویان علوم پزشکی بهره گرفت. مصاحبه شونده (۱۴). در حالیکه در درس کارورزی این مشکل وجود دارد که بخش نظری حوزه یاددهی-یادگیری توسط دانشگاه فرهنگیان و در فضای فیزیکی این دانشگاه مدیریت می شود در حالیکه بخش عملی کارورزی در محیطی اتفاق می افتد که مدیریت آن بر عهده آموزش و پرورش است، یعنی مدارس. برای حل این مشکل دو راه حل اساسی وجود دارد. الف- تاسیس مدارس جوار با مدیریت دانشگاه ب- ایجاد راهکار مناسب برای تعاون و هماهنگی کامل بین مدیران این دو دستگاه برای رفع موانع این دوگانگی. با توجه به شرایط موجود و حجم بالای دانشجویان معلمان و با وجود محدودیت های مالی راهکار اول ممکن نیست. اما در هر دو راهکار ضرورت تبدیل مدارس به یک اکوسیستم آموزشی ضروری است. در این راستا لازم است علاوه بر مشارکت آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان پای دستگاه های دیگری همچون اداره تعاون هم که در ماموریت اصلی او توسعه فرهنگ کار آفرینی و ایجاد و تقویت روحیه کار تیمی است به میان آید. یا در این زمینه نمی توان از نقش اداره فنی و حرفه ای و توان و امکانات آموزشی و کادر مجرب آن برای تدریس دروس علوم پایه و مهارتی به دانشجویان غافل شد. عموما استفاده از پتانسیل این دستگاه ها و تجهیزات و امکانات آنان بویژه نیروهای مجرب آموزش دیده و کار آمدی که در اختیار دارند در زمینه آموزش های عملی توسط مراکز دانشگاهی مغفول واقع شده است. دستگاههایی که هرگز فرصت نیافته اند نقش خود را در آموزش های رسمی و آکادمیک به صورت پر رنگ ایفا کنند و صرفا تلاشهای خود را بر آموزش های غیر رسمی متمرکز کرده اند. مصاحبه شونده (۲۱). شرط اساسی دستیابی به اهداف سند در زمینه تحقق ایجاد مدرسه صالح و تحقق اهداف ساحت اقتصادی و حرفه ای در گرو این همکاری ها و تعاملات چند جانبه نهفته است.

#### ۱.۸.۲ لزوم ارتباط مستمر با فارغ التحصیلان

ایجاد بستر مناسب برای ارتباط مستمر دانشجویان و فارغ التحصیلان یکی دیگر از راههای مشارکت دستگاهها در جهت تحقق اهداف ساحت ها محسوب می شود. ایجاد پتانسیل لازم برای ارایه آموزش ها و روشهای جدید تدریس در دانشگاه و ایجاد زمینه ارتباط مستمر آنان پس فراغت از تحصیل و همچنین ایجاد احساس نیاز در دستگاه تعلیم و تربیت و تقویت انگیزه های لازم برای این تعامل مستمر، بسیار موثر خواهد بود. مصاحبه شونده (۱۴). تشکیل ابتکاری انجمن دانش آموختگان دانشگاه فرهنگیان به همت مدیریت استانی این دانشگاه می تواند زمینه ساز این تعامل سازنده و مفید باشد.

## ۱،۸،۳ پژوهش، نقطه اتصال آموزش و پرورش و دانشگاه ها

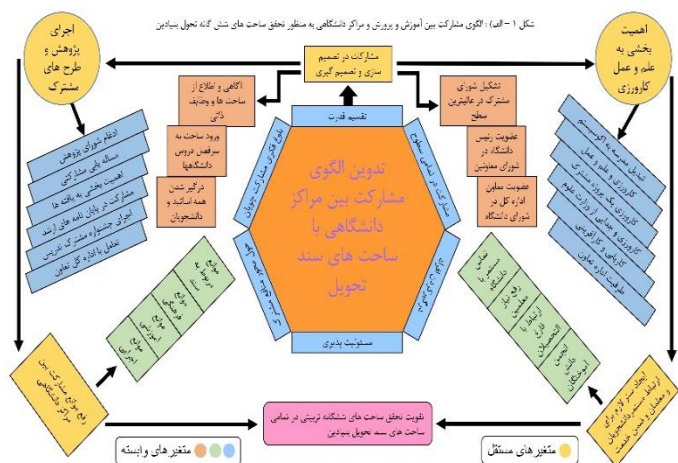
یکی دیگر از حوزه هایی که به شدت نیازمند تعامل مشترک و همسویی است، حوزه پژوهش است به عنوان مثال اکثر مطالعات پژوهشی در زمینه بهداشت در دانشگاه علوم پزشکی به دلیل آنکه هدف اصلی بهداشت و پیشگیری از بیماری ها در هر جامعه ای را کودکان تشکیل می دهند، باید متوجه این حوزه یعنی حوزه تعلیم و تربیت شود مصاحبه شونده (۱۹). در این زمینه نیاز به تشکیل یک تیم پژوهشی مشترک بین این دو دستگاه برای نیاز سنجی در زمینه اولویت های پژوهشی این دانشگاه است.

اما این نیاز در مورد دانشگاه فرهنگیان با شدت بیشتری ضرورت می یابد در حدی که شاید بتوان پژوهش را در دانشگاه فرهنگیان و وزارت آموزش و پرورش ادغام کرد مصاحبه شونده (۱۴). و آن را به یک متولی واحد سپرد مثلا سازمان پژوهش ها. زیرا هیچ دوگانگی میان حوزه پژوهش در آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان متصور نیست و جدایی آنان جز اتلاف وقت و سرمایه همچنین انجام فعالیت های پژوهشی موازی و تکراری ثمری در پی نخواهد داشت. براین نکته باید افزود که در حال حاضر دانشگاه فرهنگیان به دلیل کمبود اعضای هیات علمی خود (حدود ۷۰ درصد تدریس در کلاسهای این دانشگاه توسط دکتر معلمان آموزش و پرورش انجام می شود). از سویی عضویت تمامی معلمان راهنما در دروس کارورزی که در استخدام آموزش و پرورش هستند، اکثر قریب به اتفاق یافته های پژوهشی اساتید دانشگاه فرهنگیان حول و حوش مسایل آموزش و پرورش دور می زند. مساله یابی در پژوهش های دانشگاه فرهنگیان همه در بستر آموزش و پرورش انجام می شود. لذا انتخاب موضوع پروپوزال دانشجویان کارشناسی ارشد نمی تواند بیگانه از مسایل آموزش و پرورش و نیازسنجی آنان باشد و نتایج آن برای کاربری یافته ها نیز باید در اختیار مسولان آموزش و پرورش قرار گیرد. اگر به لحاظ ساختاری ادغام فعالیت های پژوهشی امکان پذیر نیست تشکیل کمیته های کاری مشترک اجتناب ناپذیر است. مصاحبه شونده (۱۴)

## ۱،۹ مشارکت نهادهای فرهنگی - صدا و سیما

در پاسخ به این سوال که تعامل با نهادهای فرهنگی از جمله صدا و سیما، چگونه می تواند به تحقق ساحت های تربیتی کمک کند باید گفت نقش صدا و سیما از همه نهاد های فرهنگی در این زمینه بیشتر است. زیرا هم به لحاظ تاثیر هم به جهت میزان پوشش، هم به لحاظ وظیفه ذاتی و هم به لحاظ در اختیار داشتن ابزار لازم می تواند بهتر از سایر نهادها در این زمینه نقش آفرین باشد. اشتباه بزرگی که در این زمینه صورت گرفته در این نکته نهفته است که مسولان و برنامه ریزان صدا و سیما تحقق ساحت ها را وظیفه آموزش و پرورش می دانند و تصور می کنند که این اهداف در برنامه هایی که به آموزش و پرورش اختصاص داده شده

( در قالب اختصاص درصد بودجه در حمایت از صدا و سیما بابت برنامه های دستگاه ها ) برای انجام این رسالت کافی است. برنامه هایی همچون سیمای مدرسه، نقد و نظر، تفاوت، یاد استاد، مشاعره از چنین ظرفیتی برخوردارند مصاحبه شونده (۱۱). ولی به هیچ وجه کافی به نظر نمی رسند. که بتوانند اهداف ساحت های سند تحول را تحقق بخشند. سمت و سوی تمامی برنامه های تربیتی همه دستگاهها باید این ساحت ها باشد نه فقط آموزش و پرورش. اساسا صدا و سیما به عنوان یک مطالبه گر باید به اهداف سند ورود پیدا کند و در میز گرد های چالشی مسولان مربوط به هر ساحت را با حضور کارشناسان خبره وادار به پاسخ گوئی کند. بر همین اساس یکی از محورهای اصلی در طرح خوشه سازی ساحت ها، صدا و سیما در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال بهداشت و سلامت کودکان موضوعی نیست که بتوان اهداف آن را از طریق برنامه سیمای مدرسه محقق ساخت. اهداف این ساحت باید مبنای برنامه سازان در حوزه تولید برنامه های کودک و نوجوان، برنامه های بهداشتی، برنامه های ورزشی، محیط زیستی، پزشکی و درمانی، روانشناسی و برنامه های فرهنگی قرار گیرد. مصاحبه شونده (۱۱). یکی از نهاد هایی که به شدت در دستیابی به اهداف ساحت ها بویژه در دوره ابتدایی مغفول واقع شده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است مصاحبه شونده (۱۲). برای اطلاع از راهکار مشارکت به (پناهی در چه، اکبر) مراجعه کنید.



## نتیجه نهایی

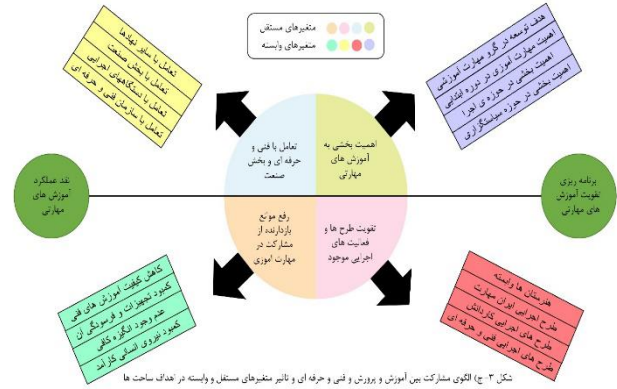
ضمن تبیین سوال اصلی این پژوهش، در حوزه اجرایی سوال مصاحبه گر حول محور موانعی که در متن سند تحول به عنوان یک عامل بازدارنده از مشارکت سایر دستگاه ها خود را نشان می دهد، متمرکز شد. این اشکالات با یافته های پژوهشی که توسط قجری و همکاران (۱۳۹۹) با بهره گیری از روش کیفی با رویکرد مطالعه موردی به واکاوی چالشها و موانع عملی پیشرو در تحقق سند تحول بنیادین پرداخته اند منطبق است. داده های این پژوهش از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با مراجعه به ۱۷ نفر از طراحان و مسئولان سابق وزارت آموزش و پرورش، که همگی در تدوین و تنظیم سند تحول نقش آفرینی کرده اند؛ گردآوری و تجزیه و تحلیل گردیده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که سند تحول بنیادین با چالشهای جدی و مهمی از جمله: ضعف در تنظیم سند و فرآیند تدوین اسناد جامع و راهبردی، و ابهام در متن سند تا اولویتدار نبودن نظام آموزشی تا تصدیگری و تمرکزگرایی شدید در ساختار نظام آموزشی، همچنین ضعف در تأمین منابع انسانی متخصص و توسعه یافته، بی توجهی به افول سطح معیشت و منزلت اجتماعی معلمان، کمبود امکانات و منابع مالی، پایین بودن مشارکتهای مردمی و سازمانهای مرتبط، مواجه است. مصاحبه شونده (۲۰).

اما از آنجا که اصلاح این موانع خارج از حدود اختیارات مسوولان استانی این پژوهش می باشد، این موانع می تواند در قالب درخواست لزوم بازنگری سند تحول بنیادین به دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد شود. اما موانع موجود در ساختار و عملکرد دستگاه تعلیم و تربیت که نقش بازدارندگی ایفا می کنند و نقش محور کلیدی را در گذار مفاهم بازی می کنند، موضوع این طرح است. یکی از مهمترین چالش ها در این زمینه نقش استاندار و فرمانداران به عنوان رییس شورای آموزش و پرورش در تحقق ساحت های تربیتی است. این مساله بیش از آنکه به توان و اراده استاندار و فرمانداران مرتبط باشد به ساختار معیوب قانون شورای آموزش و پرورش است. آنها هم به لحاظ ترکیب اعضا و هم به لحاظ شرح وظایف و حدود اختیارات مربوط می شود. مصاحبه شونده (۱۳). در این قانون<sup>۱۱</sup> هیچ ردی از سند تحول بنیادین و اهداف آن مشاهده نمی شود. بدیهی است ساحت های ششگانه سند نیز در مفاد آن غریب باشند. چگونه می توان از مشارکت دستگاهها از تحقق اهداف سخن گفت در حالیکه شورای آموزش و پرورش به عنوان عالیترین مرکز تصمیم گیری مشارکتی در استان ها هیچ یک از اهداف سند را دنبال نمی کند مصاحبه شونده (۲۰). استاندار به عنوان عالیترین مقام اجرایی استان هیچ وظیفه ای در قبال اهداف سند و ساحت های آن ندارد. نکته مهمتر وظایف مندرج در قانون شورا است که کاملاً جنبه حمایت مالی به خود گرفته و از اصل مهم سیاستگذاری و برنامه ریزی در حوزه های تربیتی، آموزشی و فرهنگی خالی است. مهمتر اینکه مسوولانی که تاثیر مستقیمی در تحقق اهداف ساحت های سند دارند غایب بزرگ این شورا محسوب می شوند. ترکیب این شورا بر اساس اهداف ساحت ها بسیار ناقص است و باید تقویت شود. به عنوان مثال طبق قانون، رییس شورای شهر مرکز استان و رییس مجمع نمایندگان که حضور آنان کاملاً مرتبط با تحقق اهداف سند است عضو چنین شورایی نیستند. مصاحبه شونده (۱۳). وظایف ذاتی اداره تعاون کار و امور اجتماعی، اداره میراث فرهنگی، ورزش و جوانان، اداره محیط زیست و ... کاملاً مرتبط با اهداف ساحت ها مصوب شده است ولی از نقش آفرینی در این زمینه محروم شده اند. مصاحبه شونده (۱۵-۱۶-۱۷-۱۸). در ادامه سوالات نحوه حمایت شهرداری ها در زمینه مشارکت برای رسیدن به اهداف ساحت ها نیز مورد سوال واقع شد. هرچند موضوع ۳ تا ۵ درصد عوارض ساخت و ساز که نقطه قوت این سند است در حد ۳ درصد آن هم به صورت ناقص اعمال شده است ولی سهم آموزش و پرورش از ۱۵ درصد اعتبارات فرهنگی شهرداری که هدفی جز تربیت شهروند نمونه را دنبال نمی کند مشخص نیست. مصاحبه شونده (۱۳). فضای سبز مدارس جزء فضای سبز عمومی باید تلقی شود که متأسفانه اینگونه نیست و منابع کافی برای حفظ و نگهداری آن در سرانه ناچیز دانش آموزی پیش بینی نشده است.

به عنوان مثال تاکید بر تقویت فرهنگ کار گروهی و کار آفرینی جزء وظایف و ماموریت های ذاتی اداره تعاون، کار و امور اجتماعی محسوب می شود در حالیکه یکی از غایبین بزرگ مشارکت در تحقق اهداف سند در زمینه ساحت اقتصادی و حرفه ای همین اداره است. در مصاحبه با مسوولان ارشد این اداره مشخص شد آنان شدیداً مشتاق حضور خود در این عرصه هستند ولی تعامل لازم با آنان وجود ندارد و از اختیارات کافی در این زمینه هم برخوردار نیستند. مصاحبه شونده (۱۵-۱۶-۱۷-۱۸). اهمیت بخشی به آموزش های مهارتی در جهان از چنان

۱۱ - این قانون در تاریخ ۲۹، ۱۰، ۱۳۷۲ و در زمان علی اکبر ناطق نوری به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و همان زمان به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است.

جایگاهی برخوردار است که این موضوع شاخص توسعه کشورها قرار گرفته است. یکی از موضوعات جالب در این اهمیت بخشی سن لازم برای ورود به این عرصه است. در کشور ما و در سند تحول بنیادین این سن از دوره متوسطه آغاز شده است. هر چند شاید به لحاظ رشد جسمانی این سن مناسب باشد ولی ایجاد انگیزه و علاقه در افراد باید از دوره کودکی آغاز شود و این میسر نخواهد شد مگر اینکه ما مهارت آموزی به دانش آموزان را از دوره ابتدایی آغاز کنیم. موانع موجود بر سر راه این آموزش ها چالش دیگری است که آموزش و پرورش در زمینه این اهمیت بخشی با آن مواجه است. به دلایل مختلف از جمله کمبود منابع و یا عدم فرایند اولویت بخشی آموزش و پرورش آنگونه که شایسته است حمایت لازم را از توسعه کمی و کیفی این دو بخش مهم مهارت آموزی خود یعنی کار دانش و فنی و حرفه ای بعمل نیاورده است.



کمبود تجهیزات و فرسودگی آنها و عدم توان لازم برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز به دلیل واگذاری آموزشکدهای فنی به وزارت علوم یکی دیگر از موانع اصلی وصول به اهداف ساحت های پیش بینی شده در زمینه اقتصادی و حرفه ای است. یکی از راه های جبران این کسری استفاده از آموزشهای مهارتی غیر رسمی در کشور است یعنی بهره گیری از ظرفیت های سازمان فنی و حرفه ای. هر چند در سالهای اخیر ارتباط خوبی بین آموزش و پرورش با این دستگاه صورت گرفته ولی هنوز تا وضعیت مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. مصاحبه شونده (۲۴-۲۳-۲۲-۲۱). تعامل با بخش صنعت و تاسیس هنرستان های جوار یکی دیگر از این موارد است که مورد غفلت واقع شده. تاسیس هنرستان اقتصاد در جوار اداره کل فنی و حرفه ای استان یک تجربه موفق از تاسیس هنرستان جوار توسط بخش خصوصی است. چنین هنرستان هایی باید در جوار تمام مراکز صنعتی بزرگ استان همچون فولاد مبارکه، ذوب آهن، صنایع نظامی، پتروشیمی و سایر واحدها می تواند توسط بخش خصوصی یا خیرین ایجاد شوند. مصاحبه شونده (۱۸). شکل (۳) طراحی الگوی مشارکت فنی و حرفه ای با آموزش و پرورش است که در طراحی تحت عنوان: "طراحی الگویمشارکت دستگاهها و نهادها با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در تحقق ساحت های ششگانه سند تحول بنیادین" که با ذکر جزئیات مورد کنکاش قرار گرفته و به عنوان طرح برتر مورد تجلیل قرار گرفت (پناهی درچه، ۱۴۰۰)

### پیشنهادات عملی و کاربردی مبتنی بر نتایج پژوهش

- ۱- پیشنهاد می شود، یک موضوع تحقیق جدید تحت عنوان "بررسی موانع موجود در متن سند تحول بنیادین به منظور شناسایی عوامل بازدارنده مشارکت برای تحقق اهداف ساحت های آن" به عنوان اولویت پژوهشی تعیین شود و نتایج آن به منظور بازنگری سند در اختیار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گیرد.
- ۲- باز نگری و اصلاح قانون شورای آموزش و پرورش در مجلس شورای اسلامی و یا شورایی انقلاب فرهنگی در دستور کار قرار گیرد
- ۳- پیشنهاد می شود تا زمان اصلاح قانون شورا، استانداران از اختیارات خود استفاده کنند و مدیران کل دستگاه های مرتبط با ساحت های سند تحول بنیادین را حسب مورد به شورا دعوت نمایند.
- ۴- پیشنهاد می شود، طرح خوشه بندی ساحت ها که در رابطه با اولویت های پژوهشی ۱۴۰۰ اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان مندرج است و به عنوان طرح برتر استان انتخاب گردید (پناهی درچه، ۱۴۰۰) مورد توجه جدی شورای آموزش و پرورش قرار گیرد و در هر یک از جلسات شورای آموزش و پرورش، علاوه بر مسایل و موضوعات روزمره، یکی از ساحت های شش گانه سند تحول و چالش های آن با دعوت از خوشه مسوولان مربوط همان ساحت مورد بررسی قرار گیرد تا سهم هر یک از دستگاه ها در تحقق آن مشخص و ابلاغ شود.
- ۵- مساله تعلیم و تربیت به عنوان یکی از ۳ اولویت اصلی هر استان تعیین و توسط استاندار به عنوان رییس شورای آموزش و پرورش به تمام دستگاهها ابلاغ گردد. تمامی دستگاهها موظف باشند مسایل آموزش و پرورش را در اولویت پیگیری های خود قرار دهند.



- ۶- شورای عالی استان ها به شورای اسلامی شهر ها ابلاغ نماید تا در تصویب طرح های مشمول ۱۵ درصد بودجه فرهنگی شهرداری، مسوولان اداره آموزش و پرورش حضور داشته باشد تا در مورد اولویت طرح های مربوط به تربیت دانش آموزان با محوریت ساحت های ششگانه به منظور تربیت شهروندان آینده به منظور دست یابی به مراتبی از حیات طیبه، توافق بعمل آید.
- ۷- پیشنهاد می شود بخشی از وظایف وزارت آموزش و پرورش در چارچوب اجرایی کردن مفاد سند به شورای آموزش و پرورش استان و مناطق تفویض شود تا شرایط بومی و محلی در تصمیم گیری موثر واقع شود.
- ۸- با توجه به نیاز شدید آموزش و پرورش به منابع مالی، شورای آموزش و پرورش ضمن تصویب سقف ۵ درصد عوارض شهرداری ها نظارت کامل بر اجرای این قانون با همه ملحقات آن را برای حمایت از آموزش و پرورش انجام دهد. ضمناً پیشنهاد می شود این اعتبار فقط در زمینه اهداف ساحت های تربیتی هزینه شود.
- ۹- ترکیب شورای آموزش و پرورش متناسب با اهداف ساحت های تربیتی تعیین شود و دستگاه های هم سو با این اهداف به عضویت آن در آیند.
- ۱۰- دانشگاه مادر، دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه فرهنگیان هر استان کرسی های نقد و نظریه پردازی خود را حول محور سند تحول - بنیادین گسترش دهند.

#### منابع فارسی

- [ 1 ] قجری، ناصر، مزیدی، محمد و شمشیری، بابک، ۱۳۹۹. واکاوی و فهم اهم چالش ها و موانع عملی پیش رو در تحقق سند تحول بنیادین با تمرکز بر زیرنظام های اصلی آن. تهران: پژوهش های برنامه درسی، (1)10.
- [ 2 ] شورویعالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت آموزش و پرورش
- [ 3 ] رعنائی، مجید، ۱۳۹۳. اعلام جزئیات نقشه راه اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- [ 4 ] آزاد، سمانه، ۱۳۹۱. موانعی که سر راه تحول سبز شده اند؛ مشکلات اجرای سند تحول بنیادین از زبان مدیران. تهران: رشد مدیریت مدرسه، ۵۲، ۷-4.
- [ 5 ] تدلی، چارلز و تشکری، عباس ۱۳۹۵. مبانی پژوهش ترکیبی: تلفیق رویکردهای کمی و کیفی، ترجمه جهانیان سعید، آذر عادل، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- [ 6 ] رحمدل، ناصر، ۱۳۹۴. تحلیل محتوا و پژوهش داده بنیاد با استفاده از نرم افزار Maxqda. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
- [ 8 ] الیاس، جان. فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر)، ترجمه عبدالرضا ضرابی. قم، مؤسسه آ. پ امام خمینی
- [ 9 ] عشایری، طاها و نامیان، فاطمه، ۱۳۹۸. مسائل اجتماعی هشت پرسش جامعه شناسی جامع ایرانی روش شناسان، جامعه شناسان
- [11] حمیدی، مهرزاد، وحدانی، محسن، خبیری، محمد و علی دوست، ابراهیم ۱۳۹۵. تدوین استراتژی های تربیت بدنی و فعالیت های ورزشی وزارت آموزش و پرورش، تهران: فصلنامه علمی پژوهشی خانواده و پژوهش، شماره ۳۴.
- [12] حلاجی زارع، مرضیه و محمدزاده محمدی، مرضیه، ۱۳۹۹. بررسی جایگاه تربیت زیستی و بدنی در اسناد بالا دستی آموزش و پرورش و ارائه راهکارهایی برای ارتقای مهارت های زیستی و بدنی در مدارس. تهران: پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی.
- [13] رضایی، منیره، ۱۳۸۷. الگوی نظری ساحت تربیت هنری و زیبایی شناسی در نظام آموزش و پرورش ج.ا.ا. طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، کمیته مطالعات نظری.
- [14] آقایایی ابرند آبادی، سیده الهام و ماهرزاده، طیبه و ایمانی نایینی محسن، ۱۳۹۹. رویکرد ساحت تربیت زیبایی شناسی رویکرد موضوع محور یا رویکرد دریافت احساس و معنی، تهران: پژوهشی در برنامه درسی، سال ۱۷، دوره دوم، شماره ۳۸ ص ۱-۱۱

- [15] میرحسینی، ملیحه و اخوت، علی محمد، ۱۳۹۵. اهمیت تعلیم و تربیت اقتصادی برای دانش آموزان، اولین همایش ملی تازه های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران: اردکان.
- [16] قندهاری، آزاده، مهرمحمدی، محمود و فرجی دیزجی، سجاد، ۱۳۹۷. بررسی تطبیقی تلفیق تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی در کشورهای اسکاتلند، چین و استرالیا و ارائه دلالت هایی برای تربیت اقتصادی در ایران، تهران: فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۳۹.
- [17]. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
- [18]. نیازی، محسن، ۱۳۸۵. تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان کاشان. فصلنامه شناخت کاشان، شماره ۲، ص ۱۴۷ - ۱۲۷

منابع انگلیسی:

- [19] Davies Anna, Simon Julie (2013). *The value and role of citizen engagement in social innovation, a deliverable of the project: The theoretical, empirical and policy foundations for building social innovation in Europe (TEPSIE), European Commission? 7th Framework Programme.*
- [7] Thomas, P. F. (1985) *Moral education in the schools of Japan. Horizon, 23(1).*
- [10] Brasilia, Gad (2003). *Communities and Law Politics, and Cultures of legal identities. The University of Michigan Press Harvard University press*